

سرمقاله

توجه به سیاست و نادیده گرفتن دیگر عرصه ها

محمد رضا هویدا

افغانستان شدیداً سیاست زده شده است. عمده ترین مسایل در کشور سیاست و امنیت هستند. امنیت به عنوان گمشده مردم افغانستان نزدیک به نیم قرن بوده و در همین مدت نیز مردم به مسایل سیاسی به نحوی می پردازند که دیگر همه چیزشان و زندگی شان شده است. نگاهی به رسانه های همگانی، صحبت های عادی مردم، اکثر برنامه های تولیدی رسانه های کشور، حوادث و رخدادها، برنامه های مقامات عالی رتبه دولتی و... بر محور این دو مقوله می چرخند.

سرمایه گذاریها و توجه به موضوعات مهم نیز به همین دو موضوع برمی گردند. دولت افغانستان اکثراً مصروف مسایل امنیتی و سیاسی است.

زمانی که بودجه ملی را نیز بررسی کنیم، اهمیت بخش امنیت را در دیدگاه دولت افغانستان در می یابیم. امنیت بیشترین هزینه را برای دولت افغانستان دارد. وزارت های دفاع و داخله نیز از بزرگترین وزارت خانه در کشور هستند.

عرصه های فرهنگی، صحت، ورزش، مسایل مربوط به زنان و جوانان و کودکان، تفریحات همه از دید دولت به طور وسیعی مغفول مانده اند. سالانه هزاران قطعه آثار باستانی یا از بین می روند و یا توسط قاچاقچیان به خارج از کشور قاچاق می شوند. برنامه های فرهنگی و هنری برای رشد استعدادها جوان محدود به چند برنامه تربیه افراد غیر حرفه ای در موسیقی می شود و دیگر زمینه های ادبیات و سینما و تئاتر و... در بی توجهی دولت و نبود بودجه وضعیت ناپسامانی دارند.

فضایی برای ورزش در شهرهای کلان کشور تقریباً به صورت استندرد وجود ندارند.

باشگاه های ورزشی نه امکانات دارند و نه توجه می شوند. برای تفریحات و صحت زنان که هیچ فکری نشده است. نه فضایی برای ورزش و نه فضایی برای تفریح.

معدود پارک های شهر کابل تبدیل به مکانی امن برای خرید و فروش و استعمال مواد مخدر شده اند.

بخش صحت در کمبود ظرفیت های مسلکی و انسانی و نبود بودجه لازم وضعیت بهتری ندارد. شفاخانه ها و کلینیک های خصوصی نیز صحت را تبدیل به تجارتی سودآور نموده اند. تولید دارو در افغانستان در سطح خیلی پایین وجود دارد و تقریباً همه داروها از کشورهای دور و نزدیک وارد کشور می شوند. واردات داروها بی کیفیت که بیشتر از فایده شان برای بیماران ضرر می رسانند، امری طبیعی در کشور است. فساد اداری حاکم بر ادارات و نبود مراکز کنترل کیفیت و استندرد که واقعا واردات داروها را نظارت نمایند، نیز مزید بر علت شده و زمینه را برای صدمه دیدن بیشتر مردم افغانستان فراهم ساخته اند.

بازار مواد غذایی نیز در بی برنامه گی و موجودیت فساد اداری، برای مردم فاجعه بار شده است. مواد غذایی که وارد می شوند کمتر کنترل کیفیت می شوند و علاوه بر آن، نه نگهداری درست می شوند و نه در محیطی مناسب به فروش می رسند. از کراچی های که در کنار سرگک ها و جویها به عرضه مواد غذایی می پردازند تا دوکان هایی که در شماری مناطق از جمله مندوزی به صورت کاملاً غیر صحتی به تهیه و عرضه مواد غذایی می پردازند، همه صحت مردم افغانستان را نشان گرفته اند.

اسدک برنامه ها و با اعلاناتی که در مورد حفظ الصحه و بهداشت از رسانه ها به نشر می رسد و یا در کوچه ها و خیابانها دیده می شوند نیز اکثراً فاقد نکات علمی و خصوصیات آگاهی دهی و جنب مخاطب می باشند.

بنا بر این، طبیعی است که میزان بیماری های لاعلاج و صعب العلاج در کشور به شدت بالا برود و بخش قابل توجهی از مسافران به مقصد کشورهای همسایه و دور و نزدیک از افغانستان نیز مسافرائی باشند که به قصد تداوی خارج می شوند.

و همه این مسایل دست در دست هم داده باعث می شوند که سالانه میلیون ها دالر برای تداوی و خرید دارو از کشور خارج می شود. بدون شک مردم افغانستان بهایی بسیار گزافی را برای امور صحتی و تداوی خود می پردازند.

جایگاه شوراهای ولایتی، تقلیل یا قانونمند؟

عبدالله هروی



© DA/H. Sirat

چند روز قبل رئیس جمهوری کشور ضمن دیدار با روسای شوراهای ولایتی کشور، بر نقش و صلاحیت نظارتی آنان تاکید ورزیده و از آن اعلام حمایت نمود. طبق گزارش ها رئیس جمهوری در دیدار با روسای شوراهای ولایتی با نقش نظارتی آنان موافقت کرده است. رئیس جمهور در این دیدار با اصل نقش نظارتی شوراهای ولایتی اعلام موافقت نموده و آن را برای روند مردم سالاری و نهادینه شدن فرهنگ پاسخگویی مسوولین حکومت به مردم امری مهم دانست. گفته شده است که رئیس جمهور ضمن آن این نگرانی خود را نیز آشکار نموده است که مبادا اعضای شوراهای ولایتی و صلاحیت هایی که به آنان داده شده است سو استفاده نمایند.

در همین راستا گفته شده است که طرحی از سوی اعضای شوراهای ولایتی مبنی بر نظارت از کار کردهای ولایتی آماده گردیده و به زودی به اعضای شورای ولایتی و رئیس جمهور ارائه خواهد شد. این در حالی است که مجلس نمایندگان کشور هفته گذشته در طرح تعدیل قانون شوراهای ولایتی، نقش نظارتی این شوراهای را حذف نمود. در پی این اقدام مجلس نمایندگان، دفاتر شوراهای ولایتی در بیشتر ولایات کشور به رسم اعتراض مسدود گردیده و اعضای شوراهای ولایتی اعلام کردند که تا به آنان صلاحیت نظارت از کارکردهای ادارات دولتی داده نشود، به کار آغاز نمی کنند. طبق طرح تعدیل شده مجلس نمایندگان بعد از این شوراهای ولایتی نمی توانند از کارکرد مقامها و ادارهای محلی نظارت کنند. این مصوبه می مجلس نمایندگان که اعتراض وسیع اعضای شوراهای ولایتی کشور را برانگیخته است موجب شده است که در اکثر ولایت های کشور دفاتر شوراهای ولایتی مسدود گردیده و مسئولان شوراهای ولایتی گفته اند که این عمل مجلس نمایندگان متنافی ارزش های دموکراتیک می باشد. بدین جهت آنان از رئیس جمهوری خواستند که مصوبت این مجلس نمایندگان را توضیح ننمایند.

ولسوالی را باز تعریف نمایند. در غیر این صورت با تصویب تعدیل صورت گرفته، حق نظارت بر کارکرد ادارات دولتی از شوراهای ولایتی سلب شده و صلاحیت آنان تا حد زیادی تقلیل یافته است: م چنین با تصویب این ماده، شوراهای ولایتی بدل به نهادی سنبلیک و نمادین گردیده که قدرت و نقش در تحقق روند مشارکت مردمی در امور اجرایی ندارند. نکته مهم دیگری که در پایان افزود این است که مجلس نمایندگان و حکومت نباید مسئله موافقت با مخالفت با صلاحیت نظارت از کارکرد حکومت را از سوی اعضای شوراهای ولایتی را بدل به یک ابزار سیاسی در مجادله های سیاسی و امتیازگیری ها بنمایند. به معنای دیگر اعضای شوراهای ولایتی ابزاری گردند برای برتری و امتیاز خواهی هر یک از طرفین. همانطور که پناه آوری گردید موضوع صلاحیت نظارت بر کارکرد نهادهای حکومتی از سوی شوراهای ولایتی باید مبتنی بر سواد و روح قانون اساسی و اصول دموکراسی بطور دقیق معین و مشخص گردد.

بر تریبند بر علاوه می شوراده دهی، از کارکرد مقام های حکومتی و چگونگی تطبیق برنامه ها و حاکمیت قانون نظارت کنند و حکومت و مقام های اداری را ملزم بسازند که وظایف شان را به خوبی انجام دهند و برنامه های دولت را به طور دقیق و عادلانه تطبیق نمایند. حال که مجلس نمایندگان صلاحیت نظارتی را از شوراهای ولایتی گرفته است، بخوبی روشن نیست مگر بر بنیاد فراین و گمانه زنی باید گفت که تنها می تواند به این دلیل چنین عملی از سوی اعضای مجلس نمایندگان انجام یافته است که که اعضای مجلس نمایندگان خواسته اند صلاحیت نظارت از کارکرد حکومت در انحصار آنان قرار داشته باشد. اگر چنین گمانه و احتمالی منطبق بر واقعیت باشد بسیار جای تاسف خواهد بود و تعدیل قانون یاد شده در ارتباط با سلب صلاحیت نظارت اعضای شوراهای ولایتی از کارکرد حکومت و نهادهای مربوط به آن به زیان دموکراسی و مشارکت مردم و اصول دموکراسی خواهد بود. نکته دومی که در ارتباط با موضوع مطرح می باشد اظهار نگرانی رئیس جمهور در

حکومت وحدت ملی و فعال سازی شکاف ها

علی قادری

نخبگان سیاسی و رفتار فرهنگیان جامعه دارد. اعتراض دیروز زنان دو پیام مشخص دارد.

ملی نخبگان سیاسی اما، نتیجه مطلوب داشته است و شکاف های قومی را کم رنگ نموده است.



اول: این اعتراض نشان می دهد که حکومت وحدت ملی در چهار ماه گذشته کاری جز فعال نمودن شعله نور نمودن شکاف ها نکرده است. شکاف قومی که از گذشته های دور فعال بود، شکاف تر گردیده است. در کنار آن، شکاف جنسیتی نیز فعال گردیده است. این می تواند زنگ خطری برای حکومت باشد. به خصوص اگر این شکاف ها به صورت متراکم در آید و در یک راستا عمل نماید. دوم: اعتراض زنان می تواند نقطه امید باشد برای بیرون شدن از لاک قومی. نقطه امید آن به این خاطر است که در شکاف جنسیتی کمتر خشونت و ویرانگری نمایان است. بنابراین، حکومت باید اعتراض ها را جدی بگیرد. اعتراض ها نشانه ای فعال شدن شکاف هاست. شکاف ها جهت گیری ها را مشخص می کند و به رفتار ها انسجام می بخشد. رفتار های وحدت گونه می تواند خطری برای حکومت باشد. بی ثباتی اقتصادی، بدکارگری حکومت می طلبد که سران حکومت وحدت رفتار های ملی از خود بروز دهد و تلاش نماید که شکاف ها را بخواباند. فعال شدن شکاف ها آن هم از نوع سنتی اش به سود هیچ کس نیست. ویرانگری های گذشته که ناشی از شکاف های قومی بوده است، خود دلیل همین مدعا است.

در کنار شکاف قومی که این روز ها فعال گردیده است به نظر می رسد که شکاف جنسیتی نیز فعال شده است. تظاهرات تعدادی از زنان در کابل مبنی بر عدم حضور زنان در کابینه حکومت وحدت ملی نشانگر فعال شدن شکاف جنسیتی است. این شکاف مبتنی بر تقسیم پایدار جمعیت بر مبنای زن و مرد است. از شکاف قومی تاریخی است. شکاف جنستی اما ساختاری است. شکاف قومی اگر بوی کهن سنت و قبیله گرایی را می دهد، شکاف جنسیتی بوی خوش تحول و دگرگونی را به همراه دارد. شکاف قومی اگر ویران گر بوده است. شکاف جنسیتی اما، ویرانگر نیست. شکاف جنسی رابطه مستقیم با میزان آگاهی دارد. افزایش آگاهی زنان باعث شده است که سخن از سهم خود فارغ از قوم بزنند. خواست زنان واضح و روشن است. آن ها می گوید که در انتخابات ۳۸ درصد اشتراک کنندگان را زنان تشکیل می دادند. حالا که حکومت تشکیل شده است باید سهم زنان داده شود. در این سخنان سهم یک قشر اجتماعی مطرح است. هیچ سخنی از سهم زنان یک قوم زده نشده است. این تظاهرات می تواند آغاز بیرون شدن از لاک قومی باشد. اما بیرون شدن از لاک قومی همان طور که در بالا گفتیم رابطه مستقیم با رفتار

جمهور و عبدالله عبدالله، رئیس اجرائیه تقسیم گردید. سخن این دو انتظارات را میان شهروندان افغانستان خلق کرد. با گذشت نزدیک به چهار ماه از شکر گیری حکومت وحدت ملی اما، انتظارات مردم و شهروندان افغانستان پاسخ داده نشده است. نه تنها به انتظارات شکل گرفته پاسخ داده نشده است بلکه رئیس جمهور و رئیس اجرائیه برخلاف وعده وعید ها و سخن های شسته و رفته خود عمل نموده است. به عنوان مثال: رئیس جمهور در دوران کمپاین انتخاباتی و بعداً در کنفرانس لندن سخن از دادن چهار وزارت به قشر محروم و مظلوم کشور یعنی زنان زده بود. اما سه وزارت به زنان اختصاص داد که از میان آن ها دو تایی شان به خاطر مشکلاتی نتوانست کابینه را همراهی کند و دیگری شان از سوی اعضای مجلس نمایندگان رد شد. جدا از مسئله زنان اصلاً، برابری افغان ها و حذف سیاست حذف از جمله شعار های شیک اشرف غنی احمدزی بود. اما به بسیاری ها، مقرری های رئیس جمهور خلاف آن چیزی را نشان می دهد که او شعار داده بود. لیستی که از مقرری های اداره امور بیرون درز کرده است بیانگر برتری یک قوم بر دیگر اقوام است. این سیاست های رئیس جمهور تاکید و تأیید سیاست حذف و به حاشیه راندن گروه های اقلیت قومی است. با این مقدمه سعی بر آن دارم تما تظاهرات تعداد از زنان در کابل مبتنی بر عدم حضور زنان در کابینه را مورد بررسی قرار دهم.

اول: در سیاست افغانستان قوم به عنوان یک عنصر فعال از دیر باز مطرح بوده است. از اساساً جنگ ها و منازعات خونین که در گذشته تجربه نموده ایم، بخش شان به خاطر شکاف های قومی میان گروه های قومی بوده است. جهت گیری ها و تعامل های سیاستمداران ما در پیش از یک دهه گذشته را عنصر قومی مشخص می نموده است. اگر چه در مواردی زیادی تلاش شد که نخبگان سیاسی بر اساس منافع شخصی خود عمل نمایند اما شکست های آن ها در نهایت سبب شد که دوباره به دامن قوم بچسزد. با این حال، در سال های اول حکومت جدید (۲۰۰۱ میلادی تا ۲۰۰۹) کمتر موردی دیده شده است که گروه های قومی در افغانستان در برابر هم صف آرای نمایند. همه به نوعی در اتحاد در برابر گروه های تندرو و دهشت افکن

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی یورامی
آدرس: کابل، شهر ک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

- روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.
روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN The Leading International Magazine